



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید دانشگاههای سراسر کشور - 22 / آبان / 1381

بسم الله الرحمن الرحيم

از این که امسال هم این توفیق را پیدا کردیم که در جمع علما و اساتید دانشگاه - که فرزندگان ملت و کشور هستند - ساعتی را در ماه مبارک رمضان بگذرانیم، خیلی خوشحالم. برای بنده این جلسه از چند جهت مغتنم است: یکی این که نفس حضور در جمع اهل علم و کسانی که سروکار با دانش و تحصیل و مدرسه و شاگرد دارند، برای ما یک حادثه شیرین و لذتبخش است. در زندگی معمولی ما و در این راه پُرماجرا و سنگلاخ سیاست و مدیریت، این، فرصت و فرجه ای است؛ یک نفس کشی است. شاید بهترین ساعات تفریح برای بنده در شبانه روز - که بخواهم کار موظف انجام ندهم - آن ساعاتی است که به کارهای علمی خودم می پردازم.

اولاً از این جهت، حضور در جمع اهل علم برای ما مغتنم و محظوظکننده است. ثانیاً چون در جمع شما بنده مستمع و طبق معمول این جلسات، غالباً از زبان اساتید و زیدگان دانشگاهی مسائل عمده مربوط به علم و دانشگاه و جریان علمی در کشور مطرح می شود، خوشنودم و این هم برای بنده مغتنم است؛ زیرا در مورد مسأله علم و تحقیق و دانشگاه و ... ذهنیت درستی به مسئولان می بخشد و دیگر این که برخی از این مسائلی که مطرح می گردد، قهراً حل می شود؛ همان طور که مطالب سالهای گذشته، پیگیری شد و به نتایج خوبی رسید. بنابراین، این جلسه برای من جلسه مطلوب و مغتنمی است. ان شاءالله در این فرصتی که فرمودند، بتوانیم از بیانات آقایان و خانمها استفاده کنیم و مجموعاً جلسه برای همه و بخصوص دانشگاه مفید باشد.

* * *

مطالبی که فرمودید، این باور را در بنده تقویت می کند که ارتباط دستگاههای دولتی با مراکز دانشگاهی یک ضرورت است. باید این ارتباط را به صورت سازمانی، با ساز و کار مشخص، برقرار کرد. البته بنده بیشتر تأکیدم در گذشته مربوط به بخش صنعت و فناوری بوده است؛ به بخشهای دولتی توصیه می کردم که با دانشگاه ارتباطشان را تقویت کنند، لکن می توان گفت که در همه بخشها این ارتباط باید تقویت شود. اگر دستگاههای مدیریتی کشور بتوانند ارتباط سازمان یافته ای با دانشگاه در زمینه های سیاسی و مسائل فرهنگی و تربیتی و همچنین ارتباط حوزه و دانشگاه پیدا کنند، بدون شك حضور ذهنهای برجسته دانشگاهی در مجموعه تصمیم گیر و تصمیم ساز نظام می تواند تأثیرات بزرگی بگذارد. این باور من است، و این باور در این جلسه با بحثهایی که دوستان کردند، تقویت هم شد و جا دارد که تقویت هم بشود.

آنچه بنده به دانشگاهیان عزیز می خواهم عرض کنم، همان چیزی است که بارها در جمع اساتید و دانشگاهیان گفته ام و باز هم می خواهم تکرار کنم: ما از لحاظ علمی از دنیا عقبیم؛ آیا راهی برای این که این فاصله را بپیماییم، وجود ندارد؟ اعتقاد راسخ بنده این است که چرا، ما می توانیم از راههای میانبر استفاده کنیم؛ می توانیم این فاصله ای را که با یک نگاه سطحی به نظر می رسد که هرگز قابل پُر شدن نیست - چون آن کسی که با فاصله زیاد در جلو حرکت می کند و با ابزارهایی که روزبه روز پیشرفته تر می شود، حرکتش سرعت هم پیدا می کند، مرتب فاصله اش بیشتر می شود - ترمیم کنیم. بنده اعتقاد راسخ دارم که می توان تصور کرد این فاصله پیموده شود و کمبود علمی - در کشور ما و کشورهای مشابه ما - و شکاف و زخمی که به وجود آمده، ترمیم شود.

آنچه ما را تشجیع می کند که این فکر را دنبال کنیم، وجود استعدادها در داخل کشور است. اما دوستان! استعداد به تنهایی کافی نیست. تأکید بنده این است: استعداد شرط لازم است، نه شرط کافی. در کنار استعداد، تلاش و مجاهدت عالمان، اندیشمندان و استادان هم لازم است. این به معنای نفی وظیفه دستگاههای دولتی در زمینه هایی که وظیفه دارند نیست؛ به معنای نادیده گرفتن مشکلات اساتید هم نیست. این خود یک حقیقت و توقع بجایی



است که باید اهل علم در محیط دانشگاه به تولید علم، به نگاه مبتکرانه و سازنده در زمینه علم - به همان چیزی که بنده از آن به نهضت نرم افزاری در محیط علمی تعبیر کردم - بپردازند؛ ما نیاز به این موضوع داریم. البته دستگاه‌های دولتی بزرگترین مسؤلیت را دارند.

در اظهاراتی که دوستان در زمینه اعتبارات رو به کاهش تحقیقات و پژوهش یا بعضی از مطالب دیگر کردند، از بنده خواستند که در این زمینه کمک کنم. مطمئناً اگر تقسیم بودجه کشور یا اولویتهای آن در اختیار رهبری بود، بدون شک بنده جزو اولین اولویتهای، اولویت تحقیق و علم را معین می‌کردم. همین حالا هم بنده به دوستان در مرکز سیاستگذاری (مجمع تشخیص) - به خود وزیر محترمی که تشریف دارند و رئیس جمهور - در زمینه اعلام سه یا چهار اولویت درجه یک کشور، مسأله علم را اعلام کردم.

اعتقاد راسخ بنده این است که مشکلات کشور ما از این راه برای بلند مدت قابل حل است و لاغیر؛ یعنی ما بایستی در زمینه علم و تحقیق پیش برویم. برای روییدن علم و ارتقاء علمی هم حتماً تحقیق لازم است؛ بدون تحقیق امکان ندارد. بنابراین کمکی که بنده می‌توانم در این زمینه بکنم، تأکیدی است که به مسؤولان دولتی باید بکنم و حتماً خواهم کرد و ان شاءالله، هم وزارت علوم، هم سازمان مدیریت و برنامه ریزی و هم بخشهای مربوط دیگر - بخشهایی از ریاست جمهوری - حتماً بایستی نسبت به این مسأله به طور جدی تصمیم گیری کنند؛ مجلس شورای اسلامی هم بر اساس این نیاز باید ادای تکلیف کند.

خیلی از بودجه‌هایی که در کشور هست، بودجه‌های اولویت دار نیست. بسیاری از این سمینارها، گردهماییها و اجتماعها، بی فایده محض است. بنده به نظرم سال گذشته یا دو سال پیش بود که در همین جا گفتم این جلسه، سمینار واقعی است؛ هیچ خرجی هم ندارد. عده‌ای از دانشمندان و علما، دور هم جمع شده‌اید و لب مطلب را در زمینه مسأله‌ی مهمی از مسائل کشور - که مسأله آموزش عالی است - بیان می‌کنید. اگر آن مقداری که برای سمینارها - چه از لحاظ پول و چه از لحاظ وقت - هزینه می‌شود، فایده نداشته باشد - که خیلی از اوقات هم ندارد - باید کنار گذاشته شوند. خیلی از این مراکزی که بودجه‌های نسبتاً قابل توجهی هم می‌گیرند، هیچ اولویتی ندارند. همان بودجه‌ها بدون شک باید به بخشهای تحقیقات، انستیتو پاستور و بعضی جاهای دیگر سرازیر شود. این موضوع را دستگاههای دولتی باید دنبال کنند؛ بنده هم تأکید می‌کنم و ان شاءالله آن را مکتوب خواهم کرد. البته - انصافاً - بخش مربوط به خود دانشگاه و درون دانشگاه هم خیلی نقش دارد. تأکید و تکیه بنده این است که اساتید محترم، به عنوان پرچمداران علم در کشور، در برهه کنونی خودشان را واقعاً مسؤول بدانند. بعضی از این جوانانی که با بنده به تناوب و در مناسبتهای مختلف ملاقات دارند - این نخبگان یا گروههای دانشجویی - گله‌ها و حرفهایی دارند. از جمله مطالبی که در اظهاراتشان وجود دارد این است که جزوه‌های بعضی از اساتید به روز نیست؛ یعنی چیزی که دانشجو در آن دانش مربوط نیازمند است، در آن جزوه نیست! گله دیگر آنها این است که اساتید به دانشجویان نمی‌پردازند و فقط درس می‌دهند. این اتفاقاً نکته‌ای است که بنده آن را دو سه مرتبه در دیدار با اساتید محترم بیان کردم. البته بنده توجه دارم که برخی از استادان، ناگزیرند برای مسائل معیشتی و تنگناهایشان درس زیاد بگیرند - این را قبول دارم و می‌دانم - اما همه موارد این طوری نیست. من خواهش می‌کنم اولاً یکی از موضوعاتی که در ذهن خودتان نگه می‌دارید و به آن اهمیت می‌دهید، این باشد که با دانشجو فراتر از درس کار کنید - با او ارتباط برقرار کنید؛ او را وادار به کار کنید و زمینه‌های تحقیقی را با او در میان بگذارید - ثانیاً مذاکره علمی هم بین استاد و دانشجو مطلب بسیار مهمی است.

البته برخی از این کارها به شکل کلان باید در مراکز تصمیم‌گیری تصویب شود؛ از جمله مطالبی که آقای دکتر «شریعتمداری» فرمودند - که درست هم هست: مسأله تربیت و اهمیت آن، یا ارتباطی که آموزش عالی با آموزش و پرورش باید داشته باشد - بایستی در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شود؛ زیرا آن جا مرکز تصمیم‌گیری است



و شورای عالی انقلاب فرهنگی به همین دلیل مرکز لازمی است. گاهی از گوشه و کنار شنیده می شود که در نیاز به شورای عالی انقلاب فرهنگی تردید می شود؛ نه، اتفاقاً همین موضوعهایی که بعضی از دوستان اشاره کردند که بایستی سیاستگذاری شود، باید در مرکزی انجام گیرد که آن مرکز، مرکز قانونگذاری نیست - قانون، آن چیزی است که به طور روزمره دستگاه خرج می کند؛ مثل پول خرد که برای خرج کردن است - بلکه مرکز سیاستگذاری است. مرکز سیاستگذاری، مرکزی است فراتر از مراکز قانونگذاری و با برنامه ریزیهای کلان سروکار دارد، که شورای عالی انقلاب فرهنگی مرکز مناسبی برای این کار است. به نظر من در آن جا بایستی این مسائل مورد مطالعه قرار گیرد. بنده رؤوس آنچه را که دوستان فرمودند، یادداشت کردم. عین بیانات اساتید محترم هم ضبط شده که اینها را؛ می گویم پیاده کنند و پیشنهادهای و نکات عمده را از آن استخراج می کنیم. ان شاءالله آنچه را که مربوط به خود ماست - یعنی مربوط به سیاستگذاری است - که بایستی به مجمع تشخیص یا به شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ یا به رؤسای سه قوه گفته شود، می گوئیم و توصیه می کنیم. آنچه را هم که مربوط به دستگاههاست، به آنها منتقل می کنیم تا ان شاءالله دنبال کنند.

فکر و علاج جویی برای مسائل دانشگاه و آموزش عالی کشور را بنده مغتنم می شمرم و از دوستان هم خواهش می کنم در همین زمینه هایی که بیان کردند - یا دوستانی که مطالبی می خواستند بگویند و فرصت نشد - فکر کنند و با ما درمیان بگذارند. بنده استقبال می کنم و آن مقداری که می تواند در سیاستگذاریهای کلان کشور قرار گیرد، بدون شك از طرف ما اقدام خواهد شد و انجام خواهد گرفت.

بعضی از دوستان اظهاراتی کردند که به نظر بنده مبالغه آمیز بود: این که هیچ کاری با برنامه انجام نمی گیرد، یا هیچ هدفی وجود ندارد، یا هیچ ... این گونه نیست؛ این مقداری مبالغه آمیز است. البته ضعفهایی وجود دارد، کمبودهایی هست، در این زمینه ها غفلتهایی گاهی صورت می گیرد؛ اما این طور کلی هم نمی شود گفت؛ نه، مراکز هستند که واقعاً کار می کنند و در جلسه امروز هم بعضی از دوستان در خصوص ارتباط دستگاههای صنعتی کشور و مصرف کننده علم با دستگاههای تحقیقاتی و علمی مطالبی بیان کردند که راجع به دانشکده هوافضا بود که سالهای گذشته هم گفته بودند. من این مطالب را تصدیق می کنم.

البته بنده به بعضی از مسؤولان در این زمینه سفارشهای اکید کرده ام و اطلاع دارم - هم در بخشهای نظامی، هم در بخشهای غیرنظامی - اثر هم کرده است. یکی از وزرای محترمی که سروکارشان با مسائل صنعت است، راجع به مسأله ای با بنده صحبت می کردند که می خواهیم فلان کار را بکنیم. من گفتم شما به دانشگاه امیرکبیر که به مرکز دولت هم خیلی نزدیک است، بروید - بنده به این دانشگاه رفته ام و کارگاه صنعتی و محصولات کاری شان را دیده ام - و ببینید چقدر می توانید مشکلاتان را حل کنید. این دوست مسؤول ما کاملاً به دلشان نشست و رفتند این کار را - به گمان زیاد آن طور که به ذهنم می آید - دنبال کردند و به نظرم به نتایجی هم رسیدند یا در آینده نه چندان دور خواهند رسید. اگر مسؤولان، راه دانشگاه را پیدا کنند و با مراکز علم و تحقیق ائس بگیرند، بدون شك کار این مراکز روان خواهد شد و کار مراکز علمی و تحقیقی هم پیش خواهد رفت. امیدواریم ان شاءالله هرچه پیش می رویم، به این هدفها نزدیک شویم.

از دوستان - برادران و خواهران - مجدداً تشکر می کنم که این دعوت را قبول کردید، این جلسه خوب را تشکیل دادید، این مطالب خوب را بیان نمودید و ان شاءالله آنچه که گفتیم و شنیدیم، مورد رضای الهی و مورد قبول پروردگار قرار گیرد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته